

فصل نهم. اصل تدریج و پرهیز از تعجیل و سخت‌گیری‌های نابجا

برخی در بهار، درختان را برای به دست آوردن میوه تکان می‌دهند؛ چنین افرادی نه تنها در بهار به میوه نمی‌رسند؛ بلکه با اقدام عجولانه خود سبب ریختن شکوفه‌های بهاری می‌شوند و خود را از میوه‌های بهاری و تابستانی محروم می‌کنند. کلاپارد

دغدغه‌مندی و دلسوزی، دو ویژگی مثبت والدین و مربیان است؛ ولی همین دو ویژگی مثبت گاهی آن‌ها را در امر پرورش توحیدی کودکان به شتاب و تعجیل وادار می‌نماید. والدین و

مرتبان اگر هم تعجیل دارند بدانند: تربیت را از جایی که مرتبّی دوست دارد آغاز کنند (وضعیت موجود) آنگاه به جایی که مرتبّی دوست دارد برسانند. (وضعیت مطلوب)، نه برعکس. نباید تصوّر کرد کودک به دلیل فطرت توحیدی، یک باره توحیدی بار می آید پس هر نکته و آموزشی را هر وقت و هر جا می توان منتقل کرد؛ بلکه - همان طور که سایر غرایز نظیر غریزه جنسی به صورت بالقوه در وجود انسان هست ولی به تدریج در دوره بلوغ شکوفا می شود - میل به خدا نیز به تدریج در کودک شکوفا می گردد و تدریجی بودن، یک اصل قطعی تربیتی است.^[۱] مرتبّیانی که قبل از زمان مقرر، انتظاراتی از مرتبّیان دارند، همچون کسانی هستند که در بهار، درخت را برای به دست آوردن میوه تکان می دهند. چنین افرادی، نه تنها در بهار میوه ای به دست نمی آورند، بلکه با اقدام عجولانه خود گذشته از اینکه سبب ریختن شکوفه های بهاری می شوند، خود را از میوه های تابستانی و پاییزی نیز محروم می کنند. یک پیله ابریشم یا پروانه را اگر کسی زود هنگام باز کند، یا اگر کسی برای اینکه جوجه داخل تخم مرغ زودتر متولد شود، تخم را زود هنگام بشکند، در حقیقت به مرگ ناگهانی آن پیله و جوجه دامن زده است؛ گرچه با نیت دلسوزی باشد. در تربیت کودکان نیز چنین است، نباید تعجیل کنیم بلکه سیر طبیعی خودش باید طی شود. اگر می خواهید در رسیدن به اهداف، سریع تر به مقصد برسید، آهسته حرکت کنید! آهسته و پیوسته. بر اساس همین نگاه حضرت علی علیه السلام فرمود:

مُجْتَنِبِي الثَّمَرَةَ لِغَيْرِ وَقْتِ أَنْبَاعِهَا كَالزَّرْعِ بِغَيْرِ أَرْضِهِ؛^[۲] کسی که میوه را قبل از رسیدنش بچیند مانند کسی است که در زمین شخص دیگری کشت کرده است.

هیچ مرتبّی دلسوزی تاکنون قادر نبوده است که صرفاً مطابق آرزوهای خود، زمان عبور از مراحل تربیت را تنظیم کند؛ و مرتبّی را بدون توجه به واقعیت های مراحل تربیت از مراحل قبلی عبور داده، به مراحل بعدی برساند.

پذیرش و تحمّل مرتبّیانی که به هر دلیلی در مراحل اولیه تربیتی متوقف مانده اند، لازمه عمل تربیتی است. حتّی پیامبران در تمام مدت رسالت شان، نتوانستند، همه مخاطبان و مرتبّیان خویش را به مرحله ایده آل و مورد نظر خویش، ارتقا دهند.

پرهیزها و دافعه‌ها

اموری که در فرزندان نسبت به خدا و مفاهیم دینی مثل نماز ناخوشایندی ایجاد می‌کند، موارد ذیل است که والدین و مربیان به طور جدّی، از انجام آن‌ها پرهیز کنند:

- اگر فرزند شما کار بدی کرد از خودت مایه بذار نه از خدا! نگو خدا تو را به جهنم می‌برد! با این کار تصویری عصبی و سخت‌گیر از خدا در ذهن کودک درست می‌کنید.
- در جمع دخترانی که از روسری هم به زور استفاده می‌کنند، پوشیدن پوشیه، دافعه ایجاد می‌کند.
- پرهیز از تنبیه کودکان به خاطر ترک تکالیف دینی بدون اینکه قبلاً نسبت به آن‌ها توجیه شده باشد.
- پرهیز از به هم زدن بازی و سرگرمی‌های لذت‌بخش کودکان به بهانه نماز، زیارت و مسجد.

- پرهیز از اقامه امور دینی نظیر نماز، تلاوت قرآن، حجاب و... با بی حوصلگی و کسالت.
- پرهیز از خسته کردن کودکان و نوجوانان با برنامه‌های اضافی و تعقیبات بی جا.
- پرهیز از دعوت فرزند به نماز، هنگامی که او به تازگی تنبیه شده است.
- پرهیز از وادار کردن کودکان به امور دینی در حین بازی و تفریح آن‌ها.
- پرهیز از مقایسه کردن کودکان با دیگران به خاطر انجام کارهای دینی.
- پرهیز از کاربرد زور و اجبار در نماز به ویژه در دوره کودکی.
- پرهیز از سبک شمردن قرآن، ائمه، نماز و برگزاری آن با خنده.
- پرهیز از اقامه امور دینی با سرو وضع نامناسب و زننده.
- پرهیز از یادآوری مجازات‌های دشوار و سخت خداوند.
- پرهیز از معرفی خدای جهنمی و عذاب کننده به کودک.^[۱]

